

نقش نظامیان در توسعه با تأکید بر نهج البلاغه

مرتضی شیروودی

کارشناس ارشد علوم سیاسی

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

اشاره

مقاله حاضر، در پی پاسخ به این سوال است: امام علی(ع)، نقش و تأثیر نظامیان را در توسعه اجتماعی چگونه می‌بیند؟ اگر چه، توسعه به مفهوم امروزی با مفهوم گذشته آن متفاوت است، اما این تفاوت چندان عمیق نیست. به آسانی می‌توان از کلام مولی علی(ع)، اصولی را استخراج نمود که برخی آن را اصول ثابت توسعه اجتماعی نام می‌نهند. نگارنده در این مقاله، می‌کوشد با مرور برخی احادیث آن امام همام، این اصول را کشف کند و به جامعه نظامی کشور ارائه دهد، تا نظامیان از این رهگذر در توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی (= توسعه اجتماعی) جامعه اسلامی ما، نقشی سازنده و بخردانه بر عهده گیرند.

مدخل

برای یافتن پاسخ سؤال فوق، نخست، تعریفی از واژه‌هایی چون نظامیان، توسعه اجتماعی و نیز، معرفی اجمالی از ابعاد شخصیتی امام علی(ع) ارائه می‌گردد و سپس، امنیت و نقش آن در توسعه اجتماعی بیان می‌شود. آن‌گاه، ابعاد مختلف تأثیرگذاری نظامیان در توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی (= توسعه اجتماعی)، با الهام از کلام امیرالمؤمنین، علی(ع) مطرح می‌گردد.

کلید واژه

امام علی(ع)، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه نظامی (=توسعه اجتماعی) امنیت، نظامیان.

تعریف واژه‌ها

نظامیان چه کسانی‌اند؟

«عَشْكَر» یعنی ارتش، لشکر، سپاه، نظامیان، لشکرگاه و اردوگاه. و «عَشْكَرَى» و «عَسَاكِر» به معنای نظامی و نظامیان، سرباز و سربازان، ارتش و ارتشیان است؛ مانند عَزْضُ عَشْكَرَى: نمایش نظامی. جَيْبُ عَشْكَرَى: پایگاه نظامی. «جَيْش» و جمع آن جیوش نیز به معنای ارتش، سپاه، نیروی نظامی و لشکر آمده است؛ مانند جَيْش التَّحْرِیر: ارتش آزادی‌بخش. جَيْشُ الشُّعْبَى: سپاه مردمی.^۱

نظامی‌گری حرفه‌ای است همانند سایر حرفه‌های حکومتی؛ اما با ویژگی‌های خاص، و نظامیان صاحبان این حرفه و صاحب این ویژگی‌ها هستند. به بیان دیگر، نظامی و نظامیان در برخی از ویژگیها، با سایر حرفه‌های حکومتی و صاحبان آن فرق می‌کنند؛ مانند حضور در جبهه‌های نبرد، نظم شدید فردی و گروهی و فراطایفه‌ای فکر و عمل کردن، جدیت، شجاعت، پشتکار، وقت‌شناسی دقیق و... . وظیفه اصلی نظامیان، پشتیبانی از دستگاه حکومتی، دفاع از جان، مال و مردم و دفاع از حاکمیت ملی، از طریق دفع حملات دشمنان خارجی و سرکوب شورش‌های داخلی است. بنابراین، حرفه نظامی و نظامیان، با جنگ، شورش، و در واقع بیش‌تر با عملیات رزمی در ارتباط‌اند. اما در دوران صلح و آرامش، موظف به وظایف ویژه‌ای چون فراگیری آموزش‌های ویژه، تمرینات زیاد، رزمایش‌ها و غیره‌اند.^۲

می‌توان تعریف جامع از نظامی و نظامیان را در این کلام مولای متقیان یافت:

لشکریان [نظامیان] دژهای ملت، زینت زمام‌داران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت‌اند، و ملت، جز با تکیه بر آن، بر پای خود ایستادن نتواند. ایستادن و بر پای ماندن سپاهیان، وابسته به بهره‌ای است که خداوند از خراج، به آنان اختصاص داده است... نیروهای مسلح و کارگزاران خراج، توان بودن‌شان نیست جز با تکیه بر داوران و کارکنان و دبیران که بستن قرار داده‌ها، فراهم کردن درآمدها و جلب اعتماد جامعه در امور شخصی و عمومی بر عهده آنهاست.^۳

توسعه اجتماعی چیست؟

در باره توسعه اجتماعی، تعاریف مختلفی وجود دارد، از جمله: مایکل تو دارو در کتاب

توسعه اقتصادی در جهان سوم می‌نویسد:

توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. بنابراین، توسعه، ارتقای مستمر یک جامعه یا نظام اجتماعی به سوی یک زندگی بهتر و انسانی‌تر است. بر اساس توسعه، جامعه از طریق ترکیب فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، نهادی، وسایلی را برای به دست آوردن زندگی بهتر تأمین می‌کند.^۴

یک کارشناس دیگر غربی، توسعه را حرکت سیستم یک‌دست اجتماعی به سمت جلو می‌داند؛ یعنی در مقوله توسعه، نه تنها روش تولید و توزیع محصولات تولید مد نظر است، بلکه تغییرات در سطح زندگی و نهادهای اجتماعی نیز مورد توجه است. سازمان ملل متحد، توسعه را فرآیندی توصیف می‌کند که کوشش‌های مردم و دولت، برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محله‌ها را متحد می‌کند، و مردم این محله‌ها را در زندگی یک ملت ترکیب نماید و آنها را به طور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد.^۵ نویسنده کتاب دین و فرهنگ توسعه در این باره می‌گوید:

توسعه عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیادهای اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است. [وی می‌افزاید] توسعه فرآیندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی بوده و انسان می‌تواند در این جریان به تعالی و کمال برسد. بنابراین اولاً، توسعه یک جریان پویا و رو به جلو است نه ایستا. ثانیاً، توسعه همه‌جانبه است نه اقتصادی و نه سیاسی. ثالثاً، توسعه هدف‌دار و هدف‌مند است و آن تعالی انسان است.^۶

نویسنده در تأیید نظر خود به دیدگاه علامه طباطبایی در این باره استناد می‌کند. علامه توسعه را تحول مداوم در روابط، قوانین، ابزار حیات، برای دستیابی به اهداف انسانی تعریف کرده است.^۷

علی (ع) کیست؟

برخی علی (ع) را جز با شمشیر نمی‌شناسند، و او را جز با شمشیر نمی‌شناسانند؛ مثل بارون کارادوو (= B.carradevaux) مورخ و محقق فرانسوی که نوشت:

علی: آن شجاع بی همتا و قهرمان یکه تازی بود که پهلو به پهلو پیغمبر (ص) می جنگید و به اعمال برگزیده و معجزه آسایی قیام نمود. در معرکه بدر، بیست ساله بود که با یک ضرب دست، یکه سوار قریش را دو نیم ساخت. در اُحد، شمشیر پیغمبر (ص)، ذوالفقار را به دست گرفت، و بر سرها، کلاه خود می شکافت، و بر تنها، جوشن می درید! و در یورش بر قلعه های یهود خیبیر، با یک دست، دروازه سنگین آهنین را از جای کند و آن را بالای سر خود سپر ساخت.^۸

اما به اعتقاد میخائیل نعمیه نویسنده نامی لبنان:

قدرت نمایی و قهرمانی امام [علی(ع)] تنها در حدود میدان های جنگ نبود، قهرمانی بود در صفای بصیرت و طهارت وجدان و سحر بیان و حرارت ایمان، و عمق روح انسانیت و بلندی همت و نرمی طبیعت، و یاری محروم و رهایی مظلوم از چنگال متجاوز و ظالم، و فروتنی برای حق، به هر صورت و مظهری که، حق برایش تجلی نماید، این نیروی قهرمانی همیشه محرک و انگیزنده است، گرچه روزگاری از آن بگذرد، امروز و هر روز که شوق ما برای پی ریزی بنای صالح و فاضلانه شدید شود، به سوی آن باز می گردیم.^۹

ما را نیز، امروز، شوق پی ریزی بنای صالح و فاضلانه ای است که نام آن را توسعه گذاشته و می گذاریم. پس به سوی او باز می گردیم و از او، راهش و کلامش برای دست یافتن به توسعه مدد می گیریم.

رابطه امنیت و توسعه

امنیت، یکی از اساسی ترین نیازهای جامعه بشری است و تنها در پرتو آن، جامعه به رشد و توسعه اجتماعی دست می یابد. قرآن نیز، پیشاپیش در سوره قریش با یادآوری داستان زندگی قریش، در این باره تاکید کرده است. در واقع خداوند با رفع خطراتی چون دفع لشکر فیل سواران ابرهه به مکه، آن شهر را بکدام امن قرار داد، و در پرتو همین امنیت، قریش که به علت شوره زاری زمین در مکه، قادر به کشاورزی نبود، به سفرهای تجاری زمستانی و تابستانی روی آورد و به سبب همین تجارت، خود را از گرسنگی رهانید و در پرتو امنیت آن، به خوبی زندگی می کرد و هیچ کس به آنها سوء قصد نمی نمود؛ زیرا سگان حرم خدا و متولیان بیت الله به شمار می آمدند و اگر هم گرفتار دزدان می شدند، با گفتن اینکه ما اهل

حرم خدا هستیم، رهایی می‌یافتند. بنابراین، بین امنیت و آسایش رابطه مستقیم وجود دارد. آسایش را نیز می‌توان زندگی مطلوب یا توسعه یافته تعریف و توصیف کرد.^{۱۰}

علی(ع)، ایجاد امنیت و آرامش را تا آن حد ضروری می‌دانست که وجود حکومت را:

وَإِنَّهُ لَآبَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ،
يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ، وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ، وَ يُؤْخَذُ بِهِ
لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ؛ حَتَّى يَسْتَرَعَ بَرٌّ، وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ.

و بی‌گمان مردم به زمام‌داری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند. بوسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن، با دشمنان می‌توان مبارزه کرد، جاده‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند.^{۱۱}

بنابراین، امنیت در نیل به توسعه اجتماعی، اهمیت فراوان دارد و نظامیان، به عنوان مجریان و پاسداران امنیت، در این باره (= ابعاد مختلف توسعه اجتماعی) نقشی مهم بر عهده دارند که در اینجا، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

رشد اقتصادی

در نظام حکومتی علی(ع)، کنترل و نظارت بازار به وسیله نیروهای اطلاعاتی و امنیتی (= نظامیان)، از اساسی‌ترین محورهای مدیریت سیاسی امام بود. تا بازار رونق و اقتصاد بهبود یابد و جلوی گران‌فروشی و احتکار گرفته شود، حریم جاده‌ها حفظ گردد و معابر عمومی سد نشود. به مثالی در این باره توجه کنید :

۱. این هرمه، از نیروهای اطلاعاتی حکومت در بازار اهواز بود که اسیرنفس شد، و از بازاریان رشوه گرفت. وقتی این خبر به امام علی(ع) رسید، برای رفاعه بن شداد، حاکم اهواز نوشت:

وقتی که نامه‌ام به دست رسید، فوراً این هرمه را از مسئولیت بازار، عزل کن، و به خاطر حقوق مردم، او را زندانی کن و همه را از این کار با خبر نما تا اگر شکایتی دارند، بگویند. این حکم را [نیز] به همه کارمندان زیر دستت، گزارش کن تا نظر مرا بدانند. در این کار،

نسبت به ابن هرمه نباید غفلت و کوتاهی شود، والا نزد خدا هلاک خواهی شد. و من هم به بدترین وجه تو را از کار برکنار می‌کنم، و تو را به خدا پناه می‌دهم از اینکه در این کار، کوتاهی کنی.^{۱۲}

۲. کنترل بازار، تنها به کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از رشوه، محدود نمی‌شود به این دلیل، علی(ع) که یک شأن او، فرمانده نظامیان و نیروهای مسلح است، با اتکای به این مقام و نیروهای مسلح و نظامیان به رفع موانع دیگر می‌پرداخت. از جمله:

اصبغ بن نباته نقل می‌کند: روزی همراه حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به سرکشی بازار کوفه رفتم. امام مشاهده فرمود که برخی بازاریان در ساخت مغازه خود به حریم کوچه‌ها و معابر عمومی تجاوز کرده‌اند. دستور داد مغازه‌ها را خراب کنند تا راه باز شود. سپس سراغ خانه‌هایی رفت که قبیلۀ بنی بکاء در حریم بازار مسلمین ساخته و به زمین‌های مراکز تجاری تجاوز کرده بودند. امام علی(ع) دستور داد آنها را [نیز] خراب کنند و فرمود: این جا محل بازار و تجارت مسلمانان است، نباید شما در آن خانه‌های مسکونی بسازید.^{۱۳}

۳. نیروهای اطلاعاتی و امنیتی که علی(ع) به عنوان متولیان بازار می‌گماشت، تنها مسؤول برقراری امنیت و آرامش نبودند، بلکه اموال بازرگانان و پیشه‌وران هم تحت نظر آنان در آمد و شد بود. به عنوان مثال:

ای رفاعه! روزهای جمعه، او را از زندان خارج کن و سی و پنج تازیانه بر او بزن و او را در بازار بگردان. پس اگر کسی از او شکایت یا شاهدهی آورد، او و شاهدش را قسم بده. آن وقت حق او را از مال ابن هرمه بپرداز. سپس دست بسته و با خواری او را به زندان برگردان و بر پایش زنجیر بزن. فقط هنگام نماز زنجیر را از پایش درآور و اگر برای او خوردنی و نوشیدنی و یا پوشیدنی آوردند، مانع نشو و به کسی هم اجازه نده که بر او داخل شود و راه مخاصمه و طریق نجات را به او بیاموزد و اگر به تو گزارش رسید که کسی در زندان چیزی به او یاد داده که مسلمانی از آن ضرر می‌بیند آن شخص را می‌زنی و زندانی می‌کنی تا توبه کند و از عمل خود پشیمان شود. ای رفاعه! همه زندانیان را برای تفریح به حیاط زندان بیاور غیر از ابن هرمه مگر آنکه برای جانش بیمناک باشی که در این صورت، او را با زندانیان دیگر به صحن زندان می‌آوری و [همچنین] حقوق ابن هرمه را قطع کن.^{۱۴}

چنان که علی(ع) ابن اصمغ را بر منطقه‌ای به نام بارجاه گماشت و چون خیانت کرد،

دستش را بُرید. این مرد، آن قدر زیست تا زمان حجّاج را درک کرد. روزی به حجّاج گفت: خانواده‌ام به من بدی کرده‌اند. حجّاج گفت: چه زیباگفتی! آن‌گاه امارت محلی را به او واگذار کرد و گفت: اگر مطلع شوم که خیانتی کرده‌ای، آن اندازه از دستت را که علی بن ابی طالب (ع) باقی گذاشته، قطع می‌کنم.^{۱۵}

۴. وظایف دیگری را نیز امام علی (ع) بر عهده مأموران اطلاعاتی و امنیتی (= نظامیان) خود در بازار و مبادی تجاری گذاشته بود؛ که برخی از آن‌ها، مصداق و برخی دیگر، عین نظم و امنیت‌اند، مانند آنچه در پی می‌آید:

الف. یاری کردن ضعیفان و ناتوانان؛

ب. برقراری امنیت در جاده‌ها و راه‌های تجاری؛

ج. جلوگیری از ورود اهل ذمه به بازار مسلمانان؛

د. جلوگیری از خرید و فروش در مکان‌های غیر مجاز؛

ه. جلوگیری از ورود اشیاء ممنوعه، مانند شراب.^{۱۶}

بیش‌تر این امور، هم‌اینک نیز، از وظایف نیروهای انتظامی و یا پلیس کشورهاست. بنابراین، رها کردن بازار و یا کنترل شدید آن، هر دو مانعی برای توسعه اقتصادی است؛ اما اتخاذ و اجرای یک شیوه بینابینی، به تحرک و پویایی اقتصادی مدد می‌رساند.

جلوگیری از گرایش اقتصاد ملی به سوی سرمایه‌داری ظالمانه و ممانعت از دستبرد به بیت‌المال، اعتماد مردم به مسئولان اقتصادی را فراهم می‌سازد و انگیزه لازم برای فعالیت اقتصادی پدید می‌آورد. بی‌تردید، چنین اقدامی در پرتو همیاری و همکاری نظامیان تحقق می‌یابد. به دو نمونه از اقدامات علی (ع) در این باره که از طریق مأمورانش مطلع گردید، بنگرید: اول: داستان عثمان بن حنیف فرماندار و فرمانده نظامیان منصوب امام علی (ع) در بصره:

پس از یاد خدا و درود! ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی، خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو می‌نهادند، گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان با ستم از آن محروم و ثروتمندان‌شان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری. پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور انداز، و آنچه راهه پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن. آگاه باش هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کنند، و از نور دانش او روشنی

می‌گیرد. آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید. پس سوگند به خدا، من از دنیای شما طلا و نقره‌ایی نیاندوخته، و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیافزودم، و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم، و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است.^{۱۷}

دوم: داستان منذر بن جارود یکی از فرمانداران و فرماندهان امام علی(ع):

پس از یاد خدا و درود. شایستگی پدرت مرا به تو خوشبین ساخت، و گمان کردم همانند اوایی و راه او را می‌روی. ناگهان به من خبر دادند که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده‌ای و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای و دنیای خود را با تبه کردن آخرت آبادان می‌کنی و برای پیوستن به خویشاوندانت از دین خدا بریدی. اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است، و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام برساند یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد، یا از خیانتی دور ماند.^{۱۸}

عثمان بن حنیف و منذر بن جارود نمایندگان امام علی(ع) در شهرهایی اند که امام مسئولیت اداره و دفاع از آن را بر عهده‌شان گذاشت. آن‌ها هم فرمانده نظامی و هم فرماندار سیاسی بودند. در زمان صلح به امور اقتصادی و سیاسی می‌پرداختند و در زمانه جنگ، مهم‌ترین مسئولیت‌شان گسیل سرباز به جبهه، فرماندهی آن‌ها در مصاف با دشمن و اداره جنگ بود. امام علی(ع) از آنان می‌خواست به عنوان فرمانده (نظامی) و فرماندار (سیاسی) به گونه‌ای در عرصه اقتصادی عمل کنند که توسعه و پیشرفت جامعه فراهم آید.

پیشرفت سیاسی

نظامیان، پاسدار امنیت و حافظ صلح اند. آنان باید از صفاتی چون خیرخواهی و خیر اندیشی، پاکدامنی، بردباری و سعه صدر (فراخ‌سنگی)، ترحم به ناتوان و مقاومت و تأثیرناپذیری از اقویا، هیجان زده نشدن هنگام خشونت و زمین‌گیر نشدن هنگام ناتوانی، حیثیت، شرف، تربیت صالح و اصالت خانوادگی، حسن سابقه، دلاوری و عظمت و سخاوت

برخوردار باشد، تا بتواند به فرآیند توسعه سیاسی کمک کند. به این دلیل است که علی(ع) در انتخاب فرماندهی نیروی مسلح توصیه می‌فرماید که باید از این صفات برخوردار باشد:^{۱۹}

خدا و رسول خدا و امامت را از همه خیر خواه‌تر و دل سوزتر باشد. پاکدامن‌ترین و در منانت برجسته‌ترین کسان باشد. که دیر به خشم آید و با شنیدن پوزشی آرام گیرد. با ناتوانان مهربان و با توانمندان درشتخو باشد. درستی بی‌جا او را بر نینگیزد، و احساس ناتوانی، در رویارویی لازم، بر جای نشانندش. وانگهی با فرماندهانی بیشتر در پیوند تنگاتنگ باش که از خانواده‌های ریشه‌دار و شایسته باشد و دارای پیشینه‌ای درخشان. و آنهایی که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلند نظرند، که اینان به مجموعه‌ای از بزرگواری‌ها آراسته‌اند و ریشه در ارزش‌ها و نیکی‌ها دارند.^{۲۰}

رفتار شایسته و باور داشتن مردم از مصادیق بارز توسعه سیاسی است که امام علی(ع) آن را به فرماندهان نظامی خود که عازم فتح بلاد مختلف بودند، تذکر می‌دهد؛ مثلاً، در نامه علی(ع)، به محمد بن ابی بکر نوشته است:

فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَ اَسِرْ بَيْنَهُمْ فِى اللَّخْظَةِ وَ النَّظْرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعُ الْمُظْمَأُ فِى خَيْفِكَ لَهُمْ، وَ لَا يَتَأَسَّ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ.

بال‌های محبت را بر آنها بگستر و نرم‌خوی و گشاده روی باش و تساوی بین آنها را حتی در نگاه‌هایت مراعات کن، تا بزرگان از تو نخواهند که بر ناتوانان ستم کنی، و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند.^{۲۱}

علی(ع) از نظامیان می‌خواست که جنگ را نیز به قصد اصلاح امور انجام دهند،

از جمله:

اَللَّهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِى كَانَ مِنَّا مُتَأَنِّسَةً فِى سُلْطَانٍ، وَ لَا اَتَيْنَاكَ مَسِيءٍ مِنْ فُضُولِ الْخَطَا، وَ لَكِنْ لِرَبِّهِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرُ الْاِصْلَاحَ فِى بِلَادِكَ، فَيَأْتِ مِنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ، تُقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.

خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت، و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو، بار دیگر اجرا گردد.^{۲۲}

اگر نظامیان با مردم نرم‌خوی باشند، و نیز، اگر نبرد آنان با دشمن به منظور اصلاح جامعه صورت گیرد، در این صورت، نظامیان نقش محوری در همراه کردن مردم با حکومت که مقدمه جمع همه پتانسیل‌ها برای پیشرفت سیاسی است، ایفا کرده‌اند. به علاوه، امام علی (ع) نظامیان را به جمع‌گرایی دعوت می‌کرد که جمع‌گرایی از زمینه‌ها و در عین حال از مصادیق توسعه سیاسی است. از نمونه‌های چنین دعوتی حادثه زیر است:

پیامی بدان حضرت خبر می‌رسید که سپاهیان معاویه بر شهرها دست افکنده‌اند، دو کارگزار او در یمن: عبدالله پسر عباس و سعید پسر نمران از پیش بُسر، پسر ابی ارضاء گریخته، نزد او آمدند. امام علی (ع) از فرار یاران خود در کار جهاد و مخالفت ورزیدنشان با امام خویش، آزرده خاطر شد و بر منبر رفت و فرمود: ... شنیده‌ام بُسر به یمن درآمده است. به خدا می‌بینم که این مردم به زودی بر شما چیره می‌شوند که آنان بر باطل خود جمع‌اند و شما در حق خود پراکنده. شما امام خود را در حق نافرمانی می‌کنید، و آنان در باطل، پیرو امام خویش. آنان با حاکم خود کار به امانت می‌کنند، و شما کار به خیانت. آنان در شهرهای خود درستکارند، و شما فاسد و بدکردار. اگر کاسه چوبینی را به شما بسپارم می‌ترسم دستگیره آن را برباید. خدایا، اینان از من خسته‌اند، و من از آنان خسته. آنان از من به ستوه آمده‌اند، و من از آنان دل شکسته، پس بهتر از آنان را مونس من دار، و بدتر از مرا بر آنان بگمار. خدایا، دل‌های آن را بگذار، چنانچه نمک در آب گدازد. به خدا سوگند، دوست داشتم که به جای شما هزار سوار از بنو فراس بن غنم مرا بود.^{۲۳}

یکی از وظایف نظامیان آن است که صاحب بصیرت شوند و از آن برای آگاه و بیدار کردن امت اسلامی به منظور نبرد با دشمن استفاده نمایند. امام علی (ع) به عنوان حاکم سیاسی و فرمانده نظامی خطاب به سپاهیان خود، در این باره سخنی دارد.

آگاه باشید! شیطان حزب خویش را گرد آورده و سواره و پیادگان لشکر خود را فرا خوانده است؛ اما من آگاهی و بینش و بصیرت خود را همچنان همراه دارم. من حقیقت را بر خود مشتبه نساختم و بر من مشتبه نیز نشده است. به خدا سوگند! گردابی برای آنها فراهم سازم که جز من کسی نتواند چاره‌اش کند، و سرانجام غرق در آن شوند، و هرگز از آن بیرون نیایند.^{۲۴}

رفتار امام علی (ع) با عایشه، شیوه برخورد ایشان را با مهم‌ترین مخالفان سیاسی اش، آن هم در بحرانی‌ترین شرایط (جنگ) نشان می‌دهد. امام به این وسیله به همه نظامیان، در این باره درس می‌آموزد. به بیان دیگر:

چون جنگ جمل پایان یافت، علی (ع) دستور داد باقی‌مانده سپاه عایشه، هر کس که می‌خواهد در بصره بماند، آزاد است و هر کس که می‌خواهد به مدینه برگردد، او نیز آزاد است. و همه امکانات را فراهم کرد و به محمد بن ابی بکر - برادر عایشه - دستور داد که عایشه را به مدینه برساند و چهل نفر از زنان سرشناس بصره را هم همراه عایشه روانه کرد. هنگام حرکت عایشه، امام علی (ع) فرمود، مردم جمع شدند تا با او وداع کنند به هنگام وداع، عایشه، رو به مردم گفت: ای فرزندانم، به خاطر بعضی از مسائل بعضی از ما از بعضی دیگر گله‌مندیم، هیچ کس نباید به خاطر این مسائل، به دیگری تجاوز کند. به خدا قسم من و علی (ع) در گذشته با هم اختلافی نداشتیم مگر بعضی از مسائل که بین زن و اقوام همسرش وجود دارد و به خدا قسم علی (ع) از من ناخشنود است، ولی او از نیکوکاران است. پس علی (ع) فرمود: ای مردم، عایشه راست می‌گوید.^{۲۵}

توجه به نوع انسان، فارغ از اینکه آن انسان به کدام قوم، قبیله، دین و مذهب تعلق دارد، یکی از اصلی‌ترین محور سیاست‌های حضرت علی (ع) را تشکیل می‌داد. از این رو، در نامه‌هایش به فرمانده نظامی‌اش - مالک اشتر - کلمات زیادی به چشم می‌خورد که همه انسان‌ها را، صرف نظر از ملت، نژاد، صنف و مذهب، در بر می‌گیرد. به عنوان مثال: در این نامه، نه بار از کلمه ناس (مردم) سخن رفته، از کلمه رعیت (شهروند) سیزده بار استفاده شده، و نیز، از کلماتی چون: عامه (همگان) کل امری (هر انسانی) عباد الله (بندگان خدا) بارها سخن به میان آمده و مهم‌تر از همه، چند بار عبارت نظیر لک فی الخلق (همنوع تو در خلقت) به کار رفته است.^{۲۶}

توسعه نظامی

توسعه نظامی، بیش از هر کس، به فرماندهان نظامی مربوط می‌شود. طبیعی است بدون توسعه نظامی، توسعه اجتماعی تکامل نمی‌یابد و کامل نمی‌شود. البته در توسعه بخشیدن به امور نظامی، آگاهی از اوضاع سیاسی کشور لازم است؛ تا نیروی نظامی بتواند به این وسیله به کسب آمادگی بپردازد و به تهیه تجهیزات همت گمارد. تنها در این صورت، می‌توان در برابر نقشه‌های دشمن غافل‌گیر نشد. به همین دلیل است که امام علی (ع)، در پاسخ به اعتراض برخی که گفته بودند، شما در مدینه آرام نشسته‌اید و دشمنان با تمام امکانات در حال شورش در بصره‌اند، فرمود:

به خدا سوگند! از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافل‌گیر نمی‌شوم، که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر نمایند، من همواره با یاری انسان‌های حق طلب، بر سر آن می‌گویم که از حق روی گردان است، و با یاری فرمان‌بر مطیع، نافرمان اهل تردید را در هم می‌گویم، تا آن روز که دوران زندگانی من به سر آید. پس سوگند به خدا، من همواره از حق خویش محروم ماندم، و از هنگام وفات پیامبر (ص) تا امروز حق مرا از من بازداشتند و به دیگری اختصاص دادند.^{۲۷}

پرهیز از غرور، گرایش به واقع بینی، اعتماد متقابل، بین حاکم و نظامیان همکاری آن دو با هم در موفقیت نظامی و توسعه اجتماعی مؤثر است. علی (ع) در این باره فرموده‌اند:

از بنده خدا، علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان به نیروهای مسلح و مرزداران کشور. پس از یاد خدا و درود، همانا بر زمام‌دار واجب است که اگر اموالی به دست آورد، یا نعمتی مخصوص او شد، دچار دگرگونی نشود، و با آن اموال و نعمت‌ها بیشتر به بندگان خدا نزدیک، و به برادرانش مهربانی روا دارد. آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم، و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده، و در وقت تعیین شده، آن بپردازم، و با همه شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم. پس وقتی من مسئولیت‌های یاد شده را انجام دهم، بر خداست که نعمت‌های خود را بر شما ارزانی دارد، و اطاعت من بر شما لازم است، و نباید از فرمان من سرپیچی کنید، و در انجام آنچه صلاح است، سستی ورزید، و در سختی‌ها برای رسیدن به حق تلاش کنید، حال اگر شما پایداری نکنید، خوارترین افراد نزد من انسان کج‌رفتار است، که او را به سختی کیفر خواهم داد، و هیچ راه فرار نخواهد داشت. پس دستورالعمل‌های ضروری را از فرماندهان‌تان دریافت داشته، و از فرماندهان خود اطاعت کنید. با درود.^{۲۸}

وظایفی که امام به فرماندهان سپاه می‌سپارد و تکالیفی که از آنان مطالبه می‌کند، به رشد و بالندگی نیروهای نظامی مدد می‌رساند. این امر توسعه در سایر ابعاد را تقویت و مستحکم می‌نماید. به مثال‌هایی در این باره بنگرید:

۱. مهربانی به ضعفا و سخت‌گیری بر اغنیا (= ویرأف بالضعفاً وینبو علی الاغنیاء)؛
۲. بررسی و دقت و رسیدگی به امور زیر دستان (= ثم تفقد من امورهم ما ینفقده الوالدان

من ولدهما)؛

۲. تقویت و تشویق سپاهیان و نیکی کردن در حق آنها (= وناینفاقمن فی نفسک شیء قویتهم به ولا تحقرن لطفاً تمهدتهم به)؛

۴. رسیدگی به جزئی ترین کارهای زیر دستان و غافل نشدن از آنها به بهانه پرداختن به امور بزرگ (= ولا تدع تفقد الصیف امورهم اتکالاً علی جسمیها)؛

۵. با کسانی که فرمان او را رد کنند، بستیزد و از آنان که فرمان او را برند، برای نبرد بهره برد (= فانهذ بمن اطاعک الی من عصاک واستفن بمن انقاد معک)؛

۶. اگر به نعمتی دست یافت، زیر دستان را از یاد نبرد (= ان لایغیره علی رعیتة فضل ناله و لاحول حض به وان یزیده ما قسم الله له من نعمه (نواً من عباده و عطفاً علی اخوانه)؛

۷. راز جنگ را بر زیردستان بیوشاند و اسرار آن را حفظ کند (= ان لاجتحرز دونکم سرأ الافی الحرب)؛

۸. با نیروهایش مشورت کند (= ولا طوی دونکم امرأ الافی حکم)؛

۹. کیفر نافرمانان را سخت دهد (= ثم اعظم له العتوبه و لایجد فیها عندی رخصه)؛

۱۰. از ریختن خون بی گناهان بپرهیزد (= ایاک و الدماء و سفکها بغیر حلها)؛

۱۱. اگر نسبت به زیردستان خود دچار خطا و لغزش شد، پوزش طلبیده، جبران کند و

خود را برتر از آنان نداند (= و ان ابتلیت بخطاء و افراط علیک سوطک)؛

۱۲. از خود پسندی بپرهیزد و از چاپلوسان دوری گزیند (= ایاک و الاعجاب بنفسک،

الثقة بما یعجبک منها و حب الاطراء)؛

۱۳. از شتاب در اموری که وقت آن نرسیده و یا کنندی در آن چیزی که باید سرعت

گیرد، بپرهیزد. (= و ایاک العجلة بالامور قبل ادانها او التسقط فیها عند امکاتها)؛

۱۴. در چیزی که با دیگران برابر است، خود را از آنان جدا نکند و سهم ویژه نخواهد (=

و ایاک و الاستثثار بمالناس فیه اسوة و التغبای عما یعنی)؛^{۲۹}

فرجام سخن

مقاله را با سخنانی از امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری به پایان می‌بریم که اولاً، ریشه در کلام و رفتار مولای‌شان علی (ع) دارد و ثانیاً، مؤید تأثیر نظامیان در توسعه اجتماعی است:

من همواره به مسئولان و فرماندهان نظامی تأکید کرده‌ام که جهاد خودکفایی، ریشه

استحکام و اقتدار حقیقی ملت است، و اگر ما، در امر رزم به قدرت دیگران متکی باشیم،

نمی‌توانیم مدعی آن باشیم که اقتدار داریم، چرا که این اقتدار در قبضه خواسته‌های دیگران خواهد بود. حرکت جهاد خودکفایی [= توسعه اجتماعی] در کلیه نیروها، مورد توصیه ما بود، و این حرکت باید گسترش یابد^{۳۰}... کارکنان، سازمان صنایع دفاع ملی باید کوشش کنند که مجموعه این سازمان در حقیقت تلاش بزرگ و عظیمی برای خودکفایی و مظهر جهاد خودکفایی باشد.^{۳۱} پیشرفت صنایع نظامی، امروز به برکت بالندگی نیروی انسانی متخصص و علاقه‌مند به کار، خیلی بیشتر از آن زمانی است که بیش از چهل درصد کارکنان این صنایع آمریکایی بودند، و باید شما امروز هر چه بیشتر از استعدادهای خود در جهت خدمت به مردم [= توسعه اجتماعی] استفاده کنید.^{۳۲}

پی‌نوشتها:

۱. نجف‌علی میرزایی، فرهنگ اصطلاحات معاصر (قم: اعتصام، ۱۳۷۶) ذیل کلمه جیش و عسکر.
۲. علی‌رضا ازغندی، ارتش و سیاست (تهران: قومس، ۱۳۷۴) ص ۵۰ - ۳۷.
۳. عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب، ج ۱ (تهران: ذره، ۱۳۷۱) ذیل کلمه ارتش.
۴. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلام‌علی فرجادی، ج ۱ (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰) ص ۱۳۵.
۵. عبدالله جیروند، توسعه اقتصادی (تهران: مولوی، ۱۳۶۸) ص ۸۳.
۶. مینم موسایی، دین و فرهنگ توسعه (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴) ص ۶۴ - ۴۴.
۷. همان.
۸. عبدالفتاح عبدالمقصود، علی ابن ابی طالب (ع)، ترجمه سید محمود طالقانی (تهران: انتشار، ۱۳۳۷) ص شانزده و هفده.
۹. همان.
۱۰. تفسیر مجمع البیان، ج ۲۷، ص ۳۰۰ - ۲۹۲. نگاه‌های علمی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. محمدمهدی باباپور، سیاست و حکومت در نهج البلاغه (قم: تهذیب، ۱۳۷۹) ص ۱۹۱.
۱۲. محمد دشتی، امام علی (ع) و اقتصاد (قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹) ص ۱۹۲ - ۱۹۱.
۱۳. همان، ص ۱۹۴.
۱۴. محمد دشتی، امام علی (ع) و امور اطلاعاتی، امنیتی (قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹) ص ۸۱ - ۸۰.
۱۵. همان.
۱۶. دشتی، امام علی (ع) و اقتصاد، همان، ص ۱۹۵ - ۱۷۹.
۱۷. محمد دشتی، امام علی (ع) و امور نظامی (قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹) ص ۹۲ - ۹۱.
۱۸. دشتی، امام علی (ع) و امور اطلاعاتی و امنیتی، همان، ص ۹۷ - ۹۶.
۱۹. علی‌اکبر علیخانی، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع) (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹) ص ۱۰۵ - ۱۰۴.
۲۰. معادیخواه، همان.
۲۱. احمد خاتمی، سیره سیاسی امام علی (ع) (تهران: مطهر، ۱۳۷۹) ص ۱۱۲.
۲۲. باباپور، همان، ص ۱۹۲.
۲۳. معادیخواه، همان.

۲۴. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱) ص ۲۵.
۲۵. موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد امام علی(ع)، فرهنگ عمومی و همبستگی اجتماعی (مجموعه مقالات)، (تهران: زهد، ۱۳۸۰) ص ۲۸۱.
۲۶. محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام (تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹) ص ۳۱۹.
۲۷. دشتی، امام علی (ع) و امور نظامی، همان، ص ۵۱ - ۵۰.
۲۸. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، (بیروت: وفا، ۱۳۶۲) ص ۳۵۴.
۲۹. اصغر قائدان سیاست نظامی امام علی(ع) (تهران: فروزان، ۱۳۷۵) ص ۱۲۴-۱۲۱.
۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۶۷/۳/۵).
۳۱. همان (۱۳۶۲/۵/۱).
۳۲. همان (۱۳۶۴/۶/۲۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی